روزنه

معاون صداوسیما

آرشیوهای همسوی هاشمی با نظام استفاده شد

● **شرق:** مراسم تشییع پیکر آیت‌الله هاشمی بسیار خبرساز بود؛ بخش عمده‌ای از آن در سایه حضور برخی شخصیت‌های سیاسی در میان جمعیت اتفاق افتاد، از جمله آنها اعتراض‌هایی بود که مردم حاضر در مراسم پس از دیدن رئیس سازمان صداوسیما از خود نشان دادند. در این مراسم، خبرنگار ایلنا شاهد صحنه برخورد مردم با علی‌عسگری بود. منتقدان درحالی‌که به‌شدت او و سازمان متبوعش را به باد انتقاد گرفته بودند، شعارهایی علیه عملکرد رسانه ملی که بی‌محابا آن را میلی می‌نامیدند؛ سر داده بودند. جمعیتی که عسگری را در میان گرفته بودند و می‌کوشیدند به او نزدیک شوند، درحالی‌که با فشار محافظان او بلافاصله پراکنده می‌شدند؛ جملاتی از این دست را با صدای بلند می‌گفتند: شورش را درآورده‌اید...، این چه وضع برنامه‌سازی است...، یک‌جانبه‌گرایی را تمام کنید...، دشنام به هاشمی را تمام کنید...؛ اعتراض‌ها به حدی بود که علی‌عسگری وادار به واکنش شد و به خبرنگار ما گفت: «ما انتقادها را روی چشم می‌گذاریم و سعی می‌کنیم با توجه به انتقادها، عملکردمان را اصلاح کنیم». در سال‌های اخیر بردن نام برخی از مسئولان و مدیران سیاسی کشور در رسانه ملی جرم محسوب می‌شده. در همین زمینه «مرتضی میرباقری»، معاون سیمای سازمان صداوسیما، به سؤال‌های خبرنگار ایلنا پاسخ داده است.

میرباقری درباره نقدها به پوشش خبری درباره آیت‌الله هاشمی در سیمای ملی، گفته است: «آنچه اتفاق افتاد، ایجاب می‌کرد برای تقدیر باشکوه از زحمات ایشان رسانه ملی وارد عرصه شود و مدیریت کار رسانه‌ای را به عهده بگیرد و اجازه ندهد رسانه‌های معاند از این ماجرا سوءاستفاده کنند یا کسانی که از مصالح و منافع ملی و مصلحت کشور آگاهی جامع ندارند، صحنه را خراب کنند تا یک تکریم باشکوه از ایشان برگزار نشود. این وظیفه ما بود. در دوره‌ای که ما آمدیم یعنی در دوره‌ای که آقای علی‌عسگری، مسئولیت کار را در صداوسیما بر عهده گرفتند؛ مناسبت و موقعیتی نبوده که بخواهد درباره آیت‌الله هاشمی تخریب صورت بگیرد. سیاست ما درباره دهه فجر و انقلاب هم همچنان استفاده از ظرفیت فکری و آرشیوی است که درباره ایشان داریم. موضعی هم که سه‌شنبه ۲۱ دی رئیس سازمان در رابطه با آیت‌الله هاشمی اعلام کرد، موضع رسمی سازمان صداوسیماست. به امید خدا باید با شرایطی که پیش می‌آید و تصمیماتی که گرفته می‌شود؛ عملکرد این رسانه به محک گذاشته شود تا ببینیم قضاوت به چه صورتی است».

سؤال دیگر درباره برخورد صداوسیما با رئیس دولت اصلاحات مطرح شده و پاسخ معاون سیمای سازمان صداوسیما این بوده: «ما امیدواریم کسانی که فرصت‌ها و مسئولیت‌هایی در کشور داشتند؛ همچنان فرصت خدمت‌کردن به مردم را داشته و این زمان برای آنها تداوم پیدا کند. براساس قانون اساسی، چارچوب‌هایی که نظام دارد و براساس قوانینی که وجود دارد؛ رعایت اصول، قوانین و مصالح، توسط افراد و بزرگانی که دوره‌هایی نمایندگی مردم را بر عهده داشتند و کارهای افتخارآمیزی انجام دادند؛ زیبنده‌تر و ضروری است».

او همچنین تأکید کرده «رسانه نیست که تعیین می‌کند چه کسی در آن حضور پیدا کند یا نکند. اگر کسانی که مسئولیت دارند و وزیر و وکیل هستند؛ همچنان مسیرشان به گونه‌ای باشد که خطوط قرمز و مصالح اصلی نظام را رعایت کنند و دشمن از آنها سوءاستفاده نکند، تریبون‌های ملی همچنان در اختیارشان است. ما امیدواریم واقعا شرایط به گونه‌ای باشد که تمام کسانی که مورد اقبال مردم بودند، هستند و ان‌شاءالله خواهند بود، همان‌طورکه مورد اقبال هستند، به مصالح و منافع اساسی درازمدت کشور توجه کنند». او همچنین افزوده «شاید لازم نباشد بسیاری از مسائل در معرض دید و اطلاع عمومی مردم قرار بگیرد؛ ولی این اطلاعات را دستگاه‌های اطلاعاتی و نظامی و امنیتی کشور دارند. متأسفانه بعضا می‌بینیم کسانی که در مراحلی مورد اقبال بودند به این امر توجه نمی‌کنند و گاهی از آنها سوءاستفاده می‌شود. اینجا برای اینکه مصالح نظام حفظ شود؛ تصمیماتی گرفته می‌شود. امام (ره) درباره آقای منتظری فرمودند که دشمن با ده‌ها واسطه حرف‌های خودش را از زبان ایشان مطرح می‌کند؛ این کلام مکتوب امام است؛ یعنی دشمن صدها فرد و حلقه را واسطه می‌کند تا حرفی که می‌خواهد بزند، بیان کند، زیرا دشمن اگر حرفش را از زبان خودش بزند پذیرفته نمی‌شود؛ می‌آید از زبان کسی که وجاهت دارد می‌زند. اینها را دستگاه‌های امنیتی و وزارتی و اطلاعاتی کشور می‌توانند مراقبت و شناسایی کنند». او درباره اینکه بالاخره تکلیف حضور سیاسی خاتمی در مقطعی از تاریخ ایران و بازنمایی آن در رسانه ملی چه می‌شود نیز گفته « حتما از آرشیو تاریخی درباره ایشان و کسان دیگر استفاده می‌شود و هیچ محدودیتی در این زمینه نیست. در بسیاری از مستنداتی که در رسانه ملی پخش می‌شده و می‌شود؛ حضور افراد به‌عنوان نقش تاریخی‌ای که در دوره خودشان داشتند؛ هیچ‌وقت انکار نشده، در آینده هم به این موضوع توجه می‌شود».

خاطرات غلامعلی رجایی از رئیس فقید مجمع تشخیص مصلحت نظام

هاشمی گفت قلب جوان ۲۰ ساله را دارم

ادامه از صفحه ۶

زبان انگلیسی آقای هاشمی چطور بود؟ در خاطرات رئیس زندان قصر آمده است آقای هاشمی در زندان کتاب انگلیسی می‌خوانده است.

خودشان به من می‌گفتند که من ۶۰درصدی می‌فهمم؛ البته مستمر نبود. البته من ندیدم ایشان انگلیسی صحبت کنند؛ اما عربی را صحبت می‌کردند. گاهی به مترجم عربی می‌گفتند ترجمه نکن؛ چون می‌فهمید و مترجم صحبت‌های آقای هاشمی را ترجمه می‌کرد. اما اگر بازگردیم به همان صحبت شما، یعنی تأثیر شخصیت ایشان روی مجمع، به نظرم باز می‌گردد به تجربه گران‌سنگ ایشان در مسئولیت‌های گذشته. تعداد زیادی از کسانی که در مجمع هستند، زمانی وزیر ایشان بودند و پرورش‌یافته ایشان هستند و بقیه هم اگر مستقیم تحت مدیریت ایشان نبودند، در دوره امام متأثر از نقش عملکرد آقای هاشمی بودند. خاطرات ایشان در همان دوره امام حاکی از این است که ایشان در سیاست داخلی و خارجی، اقتصاد و بحث جنگ و برخی برهه‌های مهم جنگ نقش‌آفرینی می‌کرده است. حتی من دیدم اینکه این هفته چه کسی خطبه را بخواند، ایشان تعیین می‌کرده است.

بله، ایشان رئیس مجلس بودند؛ اما نقش‌آفرینی ایشان خیلی‌خیلی بیش از شخصیت حقوقی ایشان بوده است. من مقایسه می‌کردم با مثلا آقای لاریجانی و فکر می‌کردم اگر آقای لاریجانی هم بخواهد خاطراتش را در پوزیشن رئیس مجلس بنویسد، یحتمل فقط ۱۰ درصد آن می‌تواند شبیه آقای هاشمی شود.

بله، حتی سفیرها پیش ایشان می‌آمدند و مشورت می‌گرفتند. من به ایشان گفتم تعبیر من این است که با وجود چتر گسترده و نافذ امام، نقش شما در اداره کشور موثر بود. نقل شد در سندی از پدر بشار اسد که به او توصیه کرده هر وقت در مسائل کشورداری دچار مشکل شدی، با آقای هاشمی مشورت کن. آقای هاشمی می‌گفت وقتی به امام گفتم من مسئولیت اتمام جنگ را می‌پذیرم، من را محاکمه کنید؛ امام یک چیز عاطفی گفت که من نمی‌توانم بگویم که خود من هم یک‌بار خصوصی اصرار کردم آقای هاشمی گفت اگر می‌خواستم می‌گفتم و از تأسف‌های من این است که من نتوانستم از خود ایشان به عنوان یک حقیقت تاریخی بشنوم.

شاید در بخش منتشرنشده خاطراتشان نوشته باشند.

احتمالا. شما که مستحضر هستید ایشان هم روزانه خاطرات خود را می‌نوشتند و هم مسائل خصوصی را که جنبه محرمانه داشت و تا مدت‌ها امکان انتشار ندارد می‌نوشته‌اند. حدس من این است که ایشان قبل از اینکه به منزل بروند، خاطراتشان را می‌نوشته‌اند. اینکه روز آخر هم خاطراتشان را نوشته‌اند یا نه را هم نمی‌دانم؛ چون دفاتر در اختیار پسرشان است. ما هر وقت از ایشان سؤال می‌کردیم تا کی خاطرات خود را نوشته‌اید، می‌گفتند تا امروز.

این حضور همه‌جانبه آقای هاشمی در آن دوران می‌تواند درون خود حامل یک نقد هم باشد که چرا چتر آقای هاشمی در آن دوره این‌قدر گسترده بوده است. چرا فراتر از شخصیت و جایگاه حقوقی خود به حوزه‌های دیگر ورود داشتند. شاید علت برخی دشمنی‌ها و کینه‌های سال‌های بعد، ریشه در همان زمان داشته باشد. کسانی که زمانی زیر چتر ایشان بودند و از این مسئله دلخور... .

چند عامل نقش داشته است؛ یکی شخصیت خود ایشان بوده. ایشان خیلی سنگ‌صبور بود. ایشان بیرون از دولت بود؛ اما به ایشان مکرر مراجعاتی می‌شد و مسائلی از بدنه اقتصادی کشور به ایشان گفته می‌شد و ایشان قول می‌دادند با آقای روحانی مطرح کنند.

عکس: امیر جدیدی، شرق

با آقای روحانی این مدت چقدر دیدار داشتند؟

تعدادش را نمی‌دانم؛ اما منظم دیدار داشتند.

آقای روحانی به مجمع می‌آمدند؟

در این سال‌ها آقای روحانی به دلیل مشغله‌کاری خیلی نتوانستند به مجمع بیایند؛ اما دیدارهایشان گاهی در منزل آیت‌الله هاشمی بوده و گاهی آقای هاشمی به پاستور می‌رفتند و به آقای روحانی سر می‌زدند؛ البته محدود.

شما به صبر آقای هاشمی اشاره کردید. من چند روز قبل گزارشی درباره هاشمی از نگاه خانواده می‌نوشتم، متوجه شدم خیلی به این بحث صبر آقای هاشمی از زبان اعضای خانواده به انحای مختلف اشاره شده است.

در سفر مشهد که خانم آقای هاشمی هم بود، بحثی مطرح شد. ایشان گلایه داشتند از برخوردی که با مهدی شد. من به ایشان گفتم خوب است صبر را از آقای هاشمی یاد بگیرید. خانمشان گفتند او دیگر صبرش خیلی زیاد است. مواردی بود که به ایشان می‌گفتم باید پاسخ دهید، ایشان می‌گفتند پاسخ ندهید؛ یعنی در برابر حملاتی که به ایشان می‌شد، عموما پاسخی داده نمی‌شد؛ مگر اینکه دیگر خیلی غیرمنصفانه بود. معتقد بود برخی از این نقدها شخصی است؛ مثلا توقع داشتند در دوره ایشان وزیر بشوند و نشده بودند. یادم هست یک موردی که اسم نمی‌برم، پرسیدم ایشان مسئله‌اش با شما چیست، گفتند ایشان نگاه تندی داشت، من دیدم اگر وزیر بشود، مشکلاتی برای کشور درست می‌شود. با توجه به سابقه‌اش توقع داشتند وزیر بشود، ولی من این سمت را به کسی دیگر دادم. ایشان از همان‌وقت این‌طور شد؛ وگرنه من مشکل شخصی با ایشان نداشتم.

یک موردی که ایشان این اواخر تقریبا در هر سخنرانی خود به آن اشاره داشت، دولت گذشته بود. گلایه و نقد و اعتراض خود به رخدادهای دولت قبل تقریبا مصراع تکراری همه صحبت‌های ایشان بود. علت چه بود؟ یک تصور این است که دلخوری ایشان از سال ۸۴ و شکست از احمدی‌نژاد و بعد هم حوادث ۸۸ و بی مهری‌ها و حملات خود احمدی‌نژاد و یارانش در آن سال‌ها باعث این گلایه‌ها بود، یک دلیل دیگر هم می‌توان گفت عملکرد مخرب دولت گذشته و پیامدهای بدی که برای کشور داشت، باعث شده بود آقای هاشمی مدام به آن اشاره کند.

نگاه آقای هاشمی به دولت گذشته اصلا شخصی نبود. یکی از ایراداتی که به آقای هاشمی گرفته می‌شد، این بود که آقای احمدی‌نژاد برآمده از دولت شماست. می‌گفتند ایشان استاندار نمونه دولت هاشمی شده بود. من خودم به آقای بشارتی زنگ زدم و گفتم ماجرای این چیست؟ آقای هاشمی ایشان را استاندار نمونه کرد یا شما؟ گفتند من وزیر کشور بودم و برنامه‌ام این بود که هر استانداری را که کار خوبی می‌کرد، نمونه معرفی کنیم. ایشان هم چند پروژه انجام داده بود و آن سال ما چند استاندار نمونه داشتیم و این هیچ ربطی به آقای هاشمی نداشت. اینکه در زیرمجموعه من چه کسی را انتخاب می‌کنم، آقای هاشمی دخالتی نداشت. این یک مورد بود. مورد دومی که من مکرر از آقای هاشمی شنیدم، این بود که آقای احمدی‌نژاد به خاطر ماجرای نفت و سوآپ از استانداری اردبیل برداشته می‌شود. ایشان بعد از آن اتفاق کلا از چرخه اجرائی دولت حذف می‌شود؛ بنابراین نگاه آقای هاشمی به احمدی‌نژاد اصلا شخصی نبود. نکته دوم اینکه آقای احمدی‌نژاد با روندی که در آن هشت سال انجام داد، دیدیم که از ورود به انتخابات دوباره منع شد. اگر آن طور که ادعا می‌شد، کارنامه درخشانی داشت، چرا باید منع می‌شد؟ باید می‌آمد کارنامه‌اش را تکرار می‌کرد؛ اما رهبری گفتند که ورودشان به مصلحت خودش و کشور نیست. وضع بد اقتصادی‌ای که ایشان برای دولت بعد به ارث گذاشت، هم که کتمان‌کردنی نیست. من از معاون اول دولت شنیدم که می‌گفت آقای رجایی تا ۱۸ سال آینده ما باید نیرو جذب نکنیم. بعد از چهار سال دولت هنوز طرح‌های نیمه‌تمام دولت قبلی را افتتاح می‌کند. از آقای جنتی وزیر قبلی ارشاد همان اوایل پرسیدم وضعیت چگونه است. گفت آقای رجایی الان مرداد است، وزیر قبلی تا اسفند را پیش‌خور کرده و ما وزارت بدهکاری هستیم. یادم هست ما به بیمه هنرمندان و اتحادیه هنرمندان بدهکار بودیم و چیزی هم نداشتیم. یادم هست از برخی کتاب‌ها باید ارشاد ۲۰۰ جلد می‌خریده؛ اما امضا هست که پنج هزار جلد خریده بودند. اگر دولت منعی نداشت، می‌گفت که چه چیزی را تحویل گرفته است؛ چون محذوریت داشت؛ اما آقای هاشمی یا نداشت یا کمتر داشت و به علت خطری که حس می‌کرد شاید احمدی‌نژاد دوباره قصد بازگشت داشته باشد که معلوم هم شد درست بوده، سعی می‌کرد این خطر را گوشزد کند؛ یعنی آقای هاشمی از این محذوریت آقای روحانی استفاده می‌کرد.

شما هم که مستحضر هستید ایشان هم روزانه خاطرات خود را می‌نوشتند و هم مسائل خصوصی را که جنبه محرمانه داشت و تا مدت‌ها امکان انتشار ندارد می‌نوشته‌اند. حدس من این است که ایشان قبل از اینکه به منزل بروند، خاطراتشان را می‌نوشته‌اند. اینکه روز آخر هم خاطراتشان را نوشته‌اند یا نه را هم نمی‌دانم؛ چون دفاتر در اختیار پسرشان است. ما هر وقت از ایشان سؤال می‌کردیم تا کی خاطرات خود را نوشته‌اید، می‌گفتند تا امروز.

شما وصیت‌نامه آقای هاشمی را دیدید؟ همان که متعلق به سال ۷۹ است. آیا اطلاع بیشتری دارید که وصیت‌نامه جدیدی نوشته شده یا خیر و اینکه اگر نوشته نشده، چرا؟ عجیب است که چرا ایشان آن سال این وصیت‌نامه را نوشته؛ اما در این سال‌ها احساس نکرده که باید تجدید شود.

من وصیت‌نامه را با خط خود ایشان دیدم و فکر می‌کنم با خودکار آبی روی یک صفحه A4 نوشته شده بود و پایین آن هم یک خط‌خوردگی داشت و تاریخش هم ۷۹/۹/۹ بود. نوشته بود که وصی من محسن هاشمی‌بهرمانی است. ایشان آخر وصیت‌نامه نوشته بوده که چون من دارم می‌روم آنژیو کنم، این را نوشتم و در آینده مفصل‌تر می‌نویسم. آقای مهندس هاشمی گفتند که ما نمی‌دانیم که ایشان بعدا وصیت‌نامه مفصل‌تری نوشته‌اند یا خیر. داریم می‌گردیم.

یعنی خانم هاشمی یا فرزندان اصلا در جریان نیستند که وصیت‌نامه جدیدی نوشته شده یا نه؟

بله، خانواده چیزی نمی‌دانند. در این وصیت‌نامه بیشتر بحث کتاب‌ها و مباحث مالی است. اینکه چیزی توصیه شده باشد به فرزندان یا مباحثی از این قبیل نیست. در هر عمل جراحی هر اتفاقی ممکن است بیفتد و ایشان هم به همین اشاره کرده که چون دارد برای عمل می‌رود، این را فعلا نوشته است.

درباره محل دفن ایشان هم می‌توانید توضیحی بدهید که اول قرار بود گویا در قم دفن شوند، بعد حرم انتخاب شد. علت این تغییر چه بود. بحثی اول مطرح بود مبنی بر اینکه خودشان وصیت کرده‌اند در قم دفن شوند.

تاجایی‌که من می‌دانم و با پرسشان هم صحبت کردم، درباره محل دفنشان هیچ‌وقت صحبتی نکرده بودند. پسرشان گفتند من یک روز لابه‌لای حرف‌هایم به شوخی گفتم که رفسنجان هم برای دفن بد نیست، ایشان اصلا ورود نکردند. از همان اول دو نظر مطرح بود همان شب اول که جنازه‌شان به جماران منتقل شد، گفتند که بحث قم مطرح شده است. داشتند مقدمات کار را می‌چیدند. یک نظر دیگر هم مطرح شد که چرا تهران نه و بحث حرم مطرح شد. بالاخره ایشان به امام خیلی نزدیک بودند و دفن ایشان در حرم معنی خاصی قطعا می‌توانست داشته باشد. این یکی، دو روز بازتاب‌ها هم نشان می‌داد که دفن ایشان در حرم امام معنی‌دار بوده است.

این تصمیمات هم از سوی خانواده گرفته می‌شد؟

بله، این قضیه فقط تصمیم خانواده بود و این دو گزینه در آن شرایط قبل از دفن، شورومشورت درون خانواده بود. نظر خانم ایشان خیلی مهم بود و با برادران ایشان هم صحبت کردند؛ با سیدحسن‌آقا و تولیت هم صحبت شد که آنها هم استقبال کردند که در کنار امام دفن شوند و به گمانم تصمیم بجا و تاریخی‌ای بود چون از این به‌بعد هاشمی مثل قبل، با امام دیده و زیارت می‌شود و استقبال مردمی را هم شاهدیم.

پیش‌بینی شما از ریاست آینده مجمع چیست؟

من فکر می‌کنم هرکسی که بیاید قطعا آقای هاشمی نمی‌شود. این نسخه حداقل در این چند دهه دیگر تکرار نمی‌شود؛ چه در مجمع، چه در جای دیگر. چون هاشمی شخصیتش سنتزی بود از دوره بروجردی و امام و به‌ویژه دوره بعد از امام. نمی‌شود حدس زد، اما احتمال می‌دهم که از داخل مجمع یک نفر انتخاب شود.

خبر

علی‌اکبر ولایتی:

آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی خود یک «امیرکبیر» بلکه بالاتر از آن بود

● **ایسنا:** «علی‌اکبر ولایتی»، رئیس مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، به بیان ابعاد شخصیتی آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی پرداخت.

او در بخشی از یک برنامه تلویزیونی گفت: «آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی خود یک «امیرکبیر» بلکه بالاتر از آن بود».

مشاور امور بین‌الملل مقام معظم رهبری درباره برخی اختلاف‌نظرها بین مقام معظم رهبری و آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی، گفت: «ایشان مصلحت ملی و انقلاب را برتر از هرچیز دیگر می‌دانستند، حتی اگر علیه نظر ایشان باشد. ایشان (آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی) این شجاعت را داشتند که نظرشان را می‌گفتند؛ اما اگر به جایی می‌رسید که باید نظر خودشان را بازگو کنند یا نظر مقام معظم رهبری، نظر مقام معظم رهبری را ترجیح می‌دادند».

او ادامه داد: «در زمان امام هم همین‌طور شد. بارها ایشان در رابطه با مسئله جنگ با امام صحبت کردند.

اگر قبول می‌کردند که هیچ؛ ولی اگر قبول نمی‌کردند، تبعیت می‌کردند. این نکته مهمی است.

ایشان (آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی) در این اواخر در جلسه مجمع تشخیص مصلحت نظام بر تبعیت‌شان از نظرات مقام معظم رهبری تأکید داشتند و ایشان را رکن رکین این نظام می‌دانستند که این نظام حول این محور زنده است و این خیمه روی این تیرک بنا شده است. اگر این تیرک را بکشیم، خیمه‌ای دیگر باقی نمی‌ماند و از صمیم دل به این موضوع اعتقاد داشتند».

ولایتی گفت: «در دوره‌ای که امام از دنیا رفتند، بسیاری از ناظران بدخواه در دنیا مثل غربی‌ها، آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها همچنین صهیونیست‌ها که دلشان نمی‌خواهد چنین نظامی پابرجا و مقتدر باشد، آرزو داشتند پس از فوت حضرت امام، اوضاع ایران به‌هم بریزد».

او در رابطه با اینکه آیا برخی موضع‌گیری‌ها که منتهی به تظاهرات علیه آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی می‌شد، نوعی تندروی و پیش‌افتادن از رهبری تلقی می‌شود، گفت: «حتما تندروی است. هرکس می‌خواست بداند جناب آقای هاشمی در اظهار نظری که احیانا مخالف دیدگاه نظر رهبری است تا کجا حاضر هستند بایستند، یا از خودشان می‌پرسید یا به رفتارشان نگاه می‌کرد».

ولایتی ادامه داد: «ایشان زمانی که با موضوعی مواجه می‌شد که جزء ارکان نظام بود، تسلیم قانون اساسی و دیدگاه شورای تشخیص مصلحت نظام می‌شد».

او تأکید کرد: «ارتباط مهم دو شخصیت مهم انقلاب یکی در سمت رهبری و دیگری در سمت ریاست تشخیص مصلحت نظام، طوری بود که هربار مقام معظم رهبری حکم افراد را پنج سال به پنج سال در تشخیص مصلحت تمدید می‌کردند، بر ریاست آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی تصریح می‌کردند».

حواشی غسل و دفن پیکر آیت‌الله هاشمی

بعد از درگذشت آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی و تشییع پیکر ایشان از سوی مردم قدرشناس ایران، «انتخاب»، به نقل از سایت «دیده‌بان دولت» به بازخوانی آخرین ساعات حیات آیت‌الله و همچنین بازگویی حواشی غسل و دفن پیکر رئیس فقید مجمع تشخیص مصلحت نظام پرداخت.

در این گزارش نوشته شده:

● نوع رفتار و سلوک و مردمداری آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی به‌گونه‌ای بود که هرکس با ایشان از نزدیک به هر دلیلی مراوده داشت، مجذوب و مرید ایشان می‌شد، از جمله محافظان هاشمی‌رفسنجانی که به‌واقع در روزهای اخیر خود را یتیم و بی‌پناه می‌دیدند.

● مراسم غسل و کفن آن مرحوم نیز از سوی حاج حسین عرفاتی که حضرت امام(ره) را غسل داده بود به‌همراه جمعه‌ای و کاظمیان، از محافظان قدیمی ایشان و امیر امیدیان، محمد تیموری، علی اژدری و علی منایی از اهالی شمیران که همیشه با حاج‌حسین عرفاتی همراه هستند در حیاط منزل امام راحل با مداحی حاج‌آقا کماسایی که او نیز از محافظان سابق ایشان بود، با حضور فرزندان، نوه‌ها و یادگار امام، حجت‌الاسلام سیدحسن خمینی و محافظان ایشان، باریکانی، اسدی و امانی انجام شد.

● چهره آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی، بشاش و خندان و آرام بود، گویی در خواب است... زیارت عاشورا در حیاط منزل حضرت امام خمینی(ره) قرائت شد.

● در طول مراسم، محسن و مهدی و یاسر هاشمی به‌شدت بی‌تابی می‌کردند.

● بعد از مراسم غسل و کفن آن مرحوم، وصی ایشان، «محسن» اجازه ورود خانم‌ها را داد که عده‌ای از آنها از جمله فاطمه هاشمی از شدت بی‌تابی از هوش رفتند.

● روز تدفین نیز ابتدا محسن و مهدی هاشمی وارد قبر شدند و قرآن و دعا خواندند و پس از آن، پیکر مطهر آن مرحوم ازسوی لاهوتی، داماد آیت‌الله هاشمی، ناصر هاشمی برادرزاده آیت‌الله و محمد جمعه‌ای، از محافظان سابق آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی، در قبر قرار داده شد و توفیق آخرین بوسه بر پیشانی مرحوم آیت‌الله با جمعه‌ای بود.

● به هنگام دفن، انگشتر عقیق زردرنگی که سردار قاسم سلیمانی از کربلا آورده بود و شب قبل از دفن به عفت مرعشی، همسر مرحوم آیت‌الله، داده بود بر پیشانی آن مرحوم قرار داده شد.

● عماد و علی، فرزندان محسن و داماد یاسر و علی فرزند فاطمه، فرجی، شمس‌الله عبدوست و کماسایی قبر را پر از خاک کردند و جالب اینکه دو شب قبل از تدفین، سردار سلیمانی با حالتی محزون و ناراحت در منزل مرحوم آیت‌الله رفت‌وآمد داشت.

● در مراسم تدفین علاوه بر خانواده و نزدیکان و محافظان سابق و فعلی آیت‌الله، اعضای دفتر و تعدادی از اعضای هیئت دولت و آقایان علی‌عسگری (رئیس صداوسیما) و وحید حقانیان نیز حضور داشتند.

شماره ۴۰ اندیشهٔ پویا منتشر شد

باناسیونالیسم مبتنی بر ارزش مخالفم
گفت‌وگو با مصطفی ملکیان
ooo
آشتی اخلاق و حقوق
یادداشتی از سعید حجاریان
ooo
دیدار با فیدل
روایت‌هایی از:
سید محمود دعایی
سیامک لطف‌اللهی
ابراهیم اصغرزاده
محسن امین‌زاده
ooo
جوانمرگی در ملکوت
پرونده‌ای دربارهٔ کارنامهٔ ادبی
بهرام صادقی

آیا مشروطه‌خواهان نمی‌توانستند با محمدعلی‌شاه مصالحه کنند؟
شاه کودتاچی

پژوهشی از سهراب یزدانی
مباحثهٔ داریوش رحمانیان و هاشم آقاجری
و آثاری از: علی قیصری، منصوره اتحادیه
سیدعلی محمودی، علیرضا ملایی توانی
منصور بنکداریان، سهیلا ترابی‌فارسانی

نه‌نئولیبرالیم نه چراغ جادو داریم
پاسخی به منتقدان
گفت‌وگو با مسعود نیلی مشاور رئیس‌جمهور
ooo
فرار از توده به آغوش اسطوره
شرح زندگی سیاسی و فکری مهرداد بهار
بر اساس روایت‌هایی از:
خواهران: چهرزاد و پروانه بهار
فرزند: کاوه بهار
محمود دولت‌آبادی
کاوه بیات، همایون کاتوزیان
فتح‌الله مجتبایی، جمال میرصادقی
جلیل دوستخواه، محسن رضوانی
امیر پیشداد و ....